

عاقبت دوستی با پول و ریاست

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ وَ لَعْنَةُ اللّٰهِ عَلَی اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِیْنَ. رُوِيَ عَنْ رَسُولِ اللّٰهِ (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) قَالَ : «إِنَّ الْغَيْرَةَ مِنَ الْإِيْمَانِ»...



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ وَ لَعْنَةُ اللّٰهِ عَلَی اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِیْنَ. رُوِيَ عَنْ رَسُولِ اللّٰهِ (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) قَالَ : «إِنَّ الْغَيْرَةَ مِنَ الْإِيْمَانِ»

انسان معمولاً در چهار محیط خانوادگی، آموزشی، رفاقتی و شغلی روش می‌گیرد که فضای پنجمی حاکم بر آن‌ها است که بعداً - انشاء الله - بحث می‌کنیم. بحث ما رسید به محیط سوم (رفاقتی) که انسان، در آن ساخته می‌شود. بعد از محیط خانوادگی و محیط آموزشی، انسان در محیط رفاقتی است که روش می‌گیرد و در آن ساخته می‌شود. نکته مهم این است که محیط رفاقتی نسبت به دو محیط گذشته، اثرگذاری اش قوی‌تر است و غالباً این‌طور است که به نوعی، بر روی تأثیرات دو محیط قبلی اثر می‌گذارد. روشی که انسان در این محیط می‌گیرد، می‌تواند روش‌های قبلی را از بین ببرد. در جلسه گذشته من در باب مسأله رفاقت‌ها و پیوندها عرض کردم که همه پیوندها در قیامت از هم گسسته می‌شوند، به جز یک پیوند؛ که این یک پیوند همان « پیوند رفاقتی» است. البته در باب پیوند رفاقتی، یک مطلب خاص وجود دارد و آن این است که در قیامت، این پیوند رفاقتی، به پیوند دیگر تبدیل می‌شود. به تعبیر دقیق‌تر این‌طور نیست که این پیوند گسسته شود، بلکه تبدیل می‌شود. یک وقت می‌بینید دو نفر که با هم رفیق بودند، رابطه‌شان گسسته شد، و از هم جدا شدند. این یکی می‌رود دنبال کارش و آن یکی هم می‌رود دنبال کار خودش. از تو به خیر و از ما به سلامت! تمام شد.

اما در قیامت این‌طور نیست. خوب گوش کنید! پیوند حسبی، نسبی، خانوادگی، همه این‌ها در قیامت قطع می‌شود. « یَوْمَ یَفْرُقُ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَ أُمِّهِ وَ أَبِيهِ» تمام شد و رفت. اما پیوند رفاقتی این‌طور نیست.

توضیح آیه شریفه

من در جلسه گذشته عرض کردم که تعبیر آیه شریفه این است که: « الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ» همه دوستان در قیامت، با هم دشمن می‌شوند، مگر پرهیزکاران. آخر جلسه من این آیه را معنا کردم و حالا می‌خواهم توضیح بدهم. در قیامت این‌طور نیست که رفقا مثل پدر، مادر و برادر که می‌روند دنبال کارشان، نیست. یک دسته از رفاقت‌ها به جای دوستی، دشمنی می‌آورد. در آیه هم بود و در جلسه گذشته هم گفتم. در سوره دیگر هم ما داشتیم که وقتی پیوند رفاقتی بر یک محور خاصی بود، این دوستی به دشمنی شدید تبدیل می‌شود و این‌ها به جان هم می‌افتند. چه بسا این، او را لعن کند، آن، این را لعن کند. یک وقت هست می‌گویی جدا شدند و رفتند سراغ کارشان، یک وقت می‌گویی جدا شدند ولی همدیگر را رها نمی‌کنند، دوستی‌شان تبدیل به دشمنی می‌شود. دسته دیگر، دوستی‌هایشان باقی می‌ماند و از هم دستگیری می‌کنند. رابطه این‌ها در قیامت به خاطر پیوند رفاقتی آنها در دنیا است. این که من عرض کردم در بین همه پیوندها آن پیوندی که هم در ربط با امور دنیایی و هم در ربط با امور اخروی خیلی اثرگذار است، عبارت است از پیوند رفاقتی به این جهت بود.

من مقدماً مطلبی را عرض می‌کنم بعد به سراغ بحث اصلی می‌روم. به طور کلی هر پیوندی، یک سبب می‌خواهد. باید چیزی به عنوان « محور رفاقت» باشد تا دو نفر با هم رفیق شوند. دو نفر که دارند در خیابان راه می‌روند که یکدفعه با هم رفیق نمی‌شوند! یک چیزی باید باشد تا این‌ها را به هم ربط بدهد. به‌طور خلاصه، آن چیزی که می‌خواهد محور قرار بگیرد و سبب این پیوند بشود، یا یک امر مادی است و یا یک امر معنوی. یعنی اتصال‌ها، یک وقت بر محور مادیت درست می‌شود و یک وقت بر محور معنویت ایجاد می‌شود. اتصال انسان با انسان بر محور یکی از این دو مسأله است.

دوستی کارساز و دوستی ناکارآمد

ما در معارفمان داریم رفاقت‌هایی که بر محور مادیت و امور دنیایی درست شده است، در آخرت به دشمنی تبدیل می‌شود. « الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ» اما اگر رفاقت بر محور معنویت و امور اخروی باشد چنین نمی‌شود؛ « إِلَّا الْمُتَّقِينَ»

رفاقت پرهیزکاران استثناء شده است. یعنی اگر پیوند رفاقت بر محور معنویت باشد، به دشمنی و عداوت تبدیل نمی‌شود و باقی می‌ماند. این رفاقت در قیامت کارساز نیز هست. این یک قضیه و مطلب کلی است که در متن معارف ما هست. روایتی از امام صادق (علیه السلام) است که مثل #171؛ «ضرب قانون» می‌ماند. گویی حضرت در باب دوستی یک قانون کلی را مطرح می‌فرمایند. حضرت می‌فرماید: #171؛ «أَلَا كُلُّ حَلَّةٍ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا فِي غَيْرِ اللَّهِ فَإِنَّهَا تَصِيرُ عَدَاوَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ» حرفی که من زدم متن فرمایش حضرت است، ایشان می‌فرمایند: آگاه باشید! هر دوستی رفاقتی که در دنیا #171؛ «فی غیر الله» بر محور معنویت نباشد، #171؛ «تَصِيرُ عَدَاوَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ» در روز قیامت، تبدیل به دشمنی می‌شود. حضرت این آیه شریفه را کاملاً توضیح می‌دهد: #171؛ «الْأَحْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ» ایشان، این آیه را در این قالب می‌ریزد و بیان می‌کند.

انواع دوستی‌ها و عاقبتشان

پیوندهای رفاقتی که در دنیا بر محور معنویت شکل می‌گیرد، در قیامت مشکلی ایجاد نمی‌کند. بلکه باقی می‌ماند و بعد هم کارساز است. کارسازیش نیز، مسأله شفاعت و دست‌گیری است. این رفاقت برای آن‌ها مشکل ساز نیست. ما در معارفمان داریم که مؤمنین بعضی، بعضی دیگر را شفاعت می‌کنند. این جزء معارف دین ما است. مؤمن از مؤمن شفاعت می‌کند. این مسأله مربوط به مؤمن‌هایی است که بر محور ایمانی با یکدیگر رابطه داشتند، نه مادیت.

دسته دوم، در مقابل گروه اول هستند که اصلاً رفاقت و دوستی‌شان فقط بر محور مادیت بود. تکلیف این رفاقت‌ها هم در اینجا معلوم است. اما دسته سومی همه ممکن است که یک طرف رفاقت قصدش امور مادی باشد و طرف دیگر جهت معنوی داشته باشد. این رفاقت اصلاً در دنیا باقی نمی‌ماند که بخواهد به قیامت برسد. این‌ها به یکجایی می‌رسند که دیگر نمی‌توانند ادامه بدهند. همین‌جا، رفاقتشان را به هم می‌زنند و از یکدیگر جدا می‌شوند. به قیامت نمی‌رسد.

گسست و دشمنی دوستان در دنیا

اما بحث اصلی؛ ما از بعضی از آثار و روایات به دست می‌آوریم که رفاقت‌هایی که بر محور معنویت نیست، و فقط مادیت در آنها مطرح است، این‌طور نیست که فقط در آخرت تبدیل به دشمنی شود و در آن‌جا پشیمان شوند. گاهی در دنیا گسسته شده و به دشمنی تبدیل می‌گردد. این مطلبی است که دیگر برای شما مشهود و آشکار است، احتیاج به توضیح ندارد. شما این مسائل را به خوبی درک می‌کنید.

دلیل ناپایداری دوستی‌های #171؛ «مادی محور»

دلیل این مطلب چیست؟ من اشاره‌ای به یک نکته می‌کنم که وجهه و جنبه کلامی- فلسفی دارد، ولی خوب و مفید است. #171؛ «ماده» محدود است اما معنویت نامحدود است. اگر #171؛ «ماده» محور دوستی قرار بگیرد، رفاقت بر محور انتفاع‌ها و منفعت‌ها پایدار می‌ماند. یعنی تا وقتی که از رفیق سود برده شود، رفاقت پابرجا است. آنچه مطرح است سودبری است. آنچه مهم است این است که نیازها و توقعات انسان هم نامحدود است. لذا اگر محور رفاقت مادی باشد، چون ماده محدود بوده و توقع انسان هم نامحدود است، حالا باید دو طرف با یکدیگر نزاع کنند تا به منافعشان برسند.

این‌که در فلسفه می‌گویند: دنیا دار تراحم است، یعنی سرای مزاحمت است. یعنی چون ماده محدود است، تراحم و نزاع پیش می‌آید. بعد هم همین رفاقت به جایی می‌رسد که دعوا می‌شود. یا بر سر ریاست، یا مال یا هر چه می‌خواهد باشد، می‌بینی سال‌ها دستشان در دست هم بود، اما یک مرتبه با هم اختلاف پیدا کردند! این‌ها رفیق صمیمی بودند، حالا دشمن خونی شدند! چه شد که این‌طور شد؟ جواب، روشن است. محور رفاقتشان پول بود، ریاست بود، #171؛ «الْمَلِكُ عَقِيمٌ» اینها سر پول، ریاست و امثال این‌ها که امور مادی است، دعوایشان می‌شود و دشمن خونی می‌شوند. دلیلش این است که این رفاقت، بر محور معنویت نبود، بر محور مادیت بود.

دوستی‌هایی همراه با پشیمانی

حالا من یک روایت می‌خوانم. ما روایتی از علی (علیه السلام) داریم که امام صادق در ادامه روایت قبلی آن را نقل می‌کند که امیرالمؤمنین فرمودند: #171؛ «لِلْأَحْلَاءِ نَدَامَةٌ» انسان به هر شکل که با کسی دوستی کند، پشیمان می‌شود، #171؛ «إِلَّا الْمُتَّقِينَ» مگر متقین. در این‌جا مطلب را به طور کلی بیان می‌فرمایند. در روایت حرفی از آخرت نیامده است. در آن روایت #171؛ «روز قیامت» داشت، اما این‌جا بحث قیامت مطرح نیست. به اصطلاح روایت اطلاق دارد. هر دوستی و رفاقتی، پایانش پشیمانی است، چه در دنیا یا چه در آخرت؛ مطلب کاملاً روشن و ساده است. دوستان، آخرش همه پشیمان‌اند، مگر چه کسانی؟ آن کسی که محور دوستی‌شان معنویت بود.

دوستی بر محور غیر الهی، مشکل ساز است

اینکه در آیه شریفه داشت، دوستی‌ها به دشمنی تبدیل می‌شود، جهتش این است. حالا من جنبه‌های دیگر آن را هم توضیح دادم. این‌ها مشهود است و واقعاً انسان می‌بیند که چه‌طور کسانی که بر محور امور دنیایی با هم رفاقت کردند، رفاقتشان پایدار نمی‌ماند و بعضاً به دشمنی و کینه‌توزی هم منجر می‌شود. سر آن را هم گفتم که چیست. اگر محور دوستی امر مادی بود، ماده محدود است و هر دو نفر هم نفع خودشان را در نظر گرفته‌اند، لذا تراحم پیش می‌آید و آخر تراحم چیست؟ دشمنی و رو در روی هم ایستادن. گفتم

فرقی نمی‌کند که چه باشد، مال باشد، ریاست باشد یا چیز دیگر. همین که محور الهی نباشد، مشکل ساز است. من کلی دارم بحث می‌کنم. خودمان هم داریم می‌بینیم و در متن جامعه ما نیز فراوان است، در هر دو رابطه مصادیق فراوانی وجود دارد، چه ریاستش، چه مالش. دلیل تبدیل دوستی به دشمنی چیست؟ چون خدا نیست. چون دوستی «فی غیر الله» است.

هیچ‌کدام از انبیاء با یکدیگر نزاع ندارند!

من همین حالا یک مطلب یادم آمد. استاد ما، امام (رضوان الله تعالی علیه) می‌فرمود: «اگر تمام انبیاء را جمع کنند، می‌شود یک شهر صد و بیست و چهار هزار نفری. اصلاً و ابداً یک دعوا، یک دادگستری در این شهر نمی‌بینید.» خیلی زیبا تبیین می‌فرماید. همه با هم رفیق هستند. اما نزاع و درگیری نیست. چرا؟ جهت این است که محور رابطه آن‌ها خدا است. محور خدا است نه دنیا. دعوا جایی است که محور دنیا باشد. درگیری از اینجاها شروع می‌شود.

مشخصات دوست خوب

حالا می‌رویم سراغ مشخصات رفیق خوب. در معارف ما این مطب آمده است که اگر خواستی رفیق پیدا کنی، باید به دنبال چه کسی بگردی. اولاً باید رابطه‌ات برای خدا باشد نه بر محور دنیا، ثانیاً باید طرف مقابلت ویژگی‌هایی داشته باشد تا رفاقت و دوستی‌ات سودمند باشد. شرع به تو مشخصه می‌دهد. مشخصه‌ها کاملاً بر محور همین بحثی که الآن عرض کردم. در دو رابطه مطرح است. هم در رابطه با درون افراد، هم در رابطه با بیرون افراد ملاک‌ها و مشخصاتی بیان شده است.

1. خصوصیت درونی «دوست خوب»

از نظر درونی، به طور کلی، کسی را انتخاب کن که بعد معنوی تو را شکوفا کند. یادآور بعد معنوی تو باشد. تو را به یاد خدا بیاندازد. نه این‌که شهوت تو را تحریک کند یا هواهای نفسانیه تو را برانگیزد. در یک روایتی دارد: «قِيلَ لَيْتِي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الْأَصْحَابِ أَفْضَلُ» از پیغمبر پرسیدند: بهترین رفیق کیست؟ آدم که می‌خواهد رفیق انتخاب کند که با او مصاحبت کند و رابطه تنگاتنگ داشته باشد، چه خصوصیتی باید دارا باشد؟ «قَالَ: إِذَا ذُكِرْتَ أَعَانَكَ وَ إِذَا نَسِيْتَ ذَكَرَكَ» حضرت فرمود: آن کسی که اگر به یاد خدا افتادی، تو را کمک کند و اگر خدا از یادت رفته است، تو را به یاد خدا بیاندازد. این جنبه درونی دارد.

کمک‌کار صالح

از نظر ظاهر هم عرض کردم، خصوصیتی مطرح است. یک روایت دیگر از پیغمبر اکرم است که تقریباً نظیر روایت قبلی است. «إِذَا أَرَادَ اللهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا جَعَلَ لَهُ وَزِيرًا صَالِحًا» وقتی خداوند بخواهد به بنده‌ای خیری برساند، برای او یک وزیر صالح قرار می‌دهد. وزیر یعنی کسی که کمک‌کار انسان است، تقریباً همان رفیق است. «إِنْ نَسِيَ ذِكْرَهُ وَ إِنْ ذَكَرَ أَعَانَهُ» اگر از خدا غافل شد او را به یاد خدا می‌اندازد و اگر به یاد خدا افتاد او را یاری می‌کند.

2. خصوصیت بیرونی «دوست خوب»

من درباره بعد بیرونی، سه تصویر می‌کنم تا مطلب روشن شود. یک، زبانی؛ دوست باید از نظر بیرونی، یعنی کارها و اعمالی که می‌خواهم انجام بدهم، لفظاً مرا راهنمایی و کمک کند. یعنی اگر دید من دارم معصیت می‌کنم، من را نهی کند. اگر دارم کار خلاف می‌کنم، او مرا نهی کند. دو، عملی؛ اگر دید من دارم کار خیر می‌کنم، مرا کمک کند که من کار خیرم را ادامه دهم. مرا تشویق کند. مرا به کار خیر امر کند. برای کار خیر مرا کمک کند. یک همچنین رفیقی انتخاب کن. من این‌ها را می‌گویم، بعد می‌خواهم بروم و روایاتش را بخوانم. سه، رفتاری؛ من کسی را انتخاب کنم که او از نظر عمل به من روش بدهد. از نظر عملش به من کار درست کردن را یاد بدهد. لازم نیست که لفظاً به من چیزی بگوید. عملاً بیاموزد. چرا؟ چون بُرد عمل در تأثیرگذاری از بعد لفظی بالاتر و اقوی است. رفیقی انتخاب کن که کار خیر بکند، از آن طرف هم از شر پرهیز کند. به تو آموزش عملی بدهد چون این بُرداش بیشتر است، تا آن‌که لفظاً بگوید.

دوست «امر و نهی کن» بهتر از دوست «چاپلوس و متملق»

ما در روایات باب رفاقت، هر سه مطلب را داریم که این‌ها، مستقیماً با مسأله تربیت رابطه تنگاتنگ دارد. حالا من روایت را می‌خوانم. دقت کنید! اما قولی و زبانی؛ علی (علیه السلام) می‌فرماید: «صَدِيقَكَ مِنْ نَهَاكَ» دوست تو آن کسی است که اگر خواستی معصیت بکنی، تو را نهی کند. اگر خواستی کار زشت کنی، به تو بگوید: نکن! حرام است! معصیت است! تو را نهی از منکر کند. «وَ عَدُوَّكَ مِنْ أَعْرَاكَ» دشمن تو آن است که اگر خواستی - نعوذ بالله - کار زشت انجام بدهی، تو را فریب بدهد و مغرورت کند. چه به امر شر دعوت کند، چه اگر کار زشتی انجام دادی، تو را تشویق کند. چه بسا از «مَنْ أَعْرَاكَ» این مراد باشد. این دوست تو است که اگر کار بد کردی، تو را نهی کند، و دشمنت کسی است که اگر کار بد کردی، بگوید به به! چه کار خوبی کردی! جمله اول با جمله دوم روایت تناسب دارد.

کمک‌کار برای اطاعت الهی

اما دوم، از علی (علیه السلام): «المُعِينُ عَلَى الطَّاعَةِ خَيْرُ الْأَصْحَابِ» بهترین دوستان کسی است که برای اطاعت الهی کمک

کند. تو داری طاعت الهی انجام می‌دهی، عملی انجام می‌دهی که مورد رضای خداوند است، آن کسی که به تو کمک کند، بهترین رفیق تو است. این شخص بهترین رفیق تو است. این‌ها همه در بُعد عملی است. سه گونه من عرض کردم.

دوستی با نیکان، بهترین وسیله نجات از بدی‌ها

سوم، آنکه از نظر رفتاری به من روش بدهد، نه این‌که مرا لفظی کمک کند، عملاً من را تربیت کند. علی (علیه السلام) فرمودند: **#171&**؛ لیسَ شئیُّ أَدعی لِخَیرٍ وَ أُنجی مِن شَرِّ مِن صُحْبَةِ الْأَخیارِ» چیزی بهتر از دوستی با خوبان انسان را به عمل خیر دعوت نکرده و او را از شر نجات نمی‌دهد. اخیار، کسانی هستند که از نظر عملی آدم خیری است، یعنی آن‌هایی که عملشان این‌گونه است. این تعبیر به **#171&**؛ أَدعی، أُنجی» در روایت یعنی خیلی دعوتش بیشتر است. چرا؟ چون دعوت اینها عملی است و عمل بُردش روی انسان از نظر آموزشی اقوی است تا قول و حرف. لذا حضرت می‌گوید: **#171&**؛ أَدعی»

این که می‌گوید: **#171&**؛ أُنجی» برای چیست؟ پیش آمده یک کار زشتی بخواهی مرتکب شوی و به یاد رفیقت بیافتی و پاکی و خوبی او را به یاد بیاوری و خجالت بکشی و آن کار را ترک کنی؟ این دوستی تو را از گناه نجات داده است.

این تعبیر **#171&**؛ أَدعی، أُنجی» که می‌فرماید جهتش این است که عمل تأثیرگذاری‌اش در تربیت بیشتر است. لذا کسی که انسان می‌خواهد به او روش بدهد، اگر آموزش با عمل باشد، بُردش از گفتار بیشتر است. نقش رفتار در تربیت را قبلاً هم بحث کردیم. می‌خواستم این را عرض کنم که در انتخاب رفیق، آن چیزی که باید محور باشد همین مسأله معنویت است، نه مادیت. این باید محور رفاقت باشد، چنین رفاقتی پایدار است و در دنیا و قیامت به دشمنی تبدیل نخواهد شد.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی آیة‌الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی

عاقبت دوستی برای پول و ریاست

عاقبت دوستی برای پول و ریاست